

بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده اندازه و جنسیت کمیته حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی بهشت آئین^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده اندازه و جنسیت کمیته حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. پژوهش حاضر تحقیقی کاربردی و از نوع پژوهش های شبه تجربی و روش شناسی آن از نوع پس رویدادی است. در راستای تحقق اهداف پژوهش دو فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی تدوین شده است. جهت آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته و داده های ترکیبی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج پژوهش، شرکت هایی که ارتباطات سیاسی بالاتری دارند، شدت افشای مسئولیت پذیری اجتماعی آن ها بیشتر از شرکت هایی است که ارتباطات سیاسی پایین تری دارند؛ بنابراین بین ارتباطات سیاسی و افشای مسئولیت پذیری اجتماعی در ذی نفعانی همچون شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، هزینه نمایندگی به عنوان تعدیل گر بر شدت رابطه بین ارتباطات سیاسی و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها تأثیر می گذارد.

واژگان کلیدی

خودشیفتگی مدیرعامل، اجتناب از پرداخت مالیات، اندازه، جنسیت، کمیته حسابرسی

۱. کارشناس ارشد حسابداری، کارشناس برنامه و بودجه شهرداری داراب (استان فارس).

مقدمه

دنیای امروز، دنیای سازمان‌ها است و مدیریت به عنوان قلب تپنده هر سازمان شناخته می‌شود. ضعف عملکردی مدیریت در سازمان باوجود منابع، فناوری و نیروی انسانی مطلوب موجب سوء عملکرد و شکست سازمان در نیل به اهدافش خواهد شد. لیکن، پرورش و انتخاب مدیران کارآمد از مهم‌ترین دغدغه سازمان‌های پیشرو در عصر حاضر است. در این راستا، مشاهده می‌شود رفتارهای مدیران که برگرفته از خصوصیات شخصیتی آنان است بر نتایج سازمان تأثیرگذار است و در این بین، تأثیر شخصیت بر رفتار مدیر از یک سو و تأثیر رفتار مدیر بر عملکرد و گزارش‌های سازمان از سوی دیگر، اهمیت این موضوع را آشکار می‌سازد که ویژگی‌های شخصیتی مدیران باید مورد مطالعه قرار گیرد. طبق پژوهش‌های پیشین در بررسی خصوصیات شخصیتی افراد (مانند مغز و هورمون‌ها) نتایج حاکی از آن است که رفتار افراد، به منشأها و خصوصیات شخصیتی آنان بستگی دارد و ویژگی‌های شخصیتی، زمینه‌ساز بروز برخی از رفتارها است (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۷). لذا، یکی از این عوامل شناسایی شده، پدیده خودشیفتگی در بین مدیران به‌ویژه مدیرعامل شرکت‌ها است. خودشیفتگی در حقیقت به نیاز فرد به توجه، تحسین و ابراز رضایت عمومی از دیگران اشاره دارد. مدیران عامل خودشیفته اعتماد به نفس بیش از حد، عدم همدلی و نیاز شدید به اعتبار و قدرت را نشان می‌دهند (اوسترول و همکاران،^۱ ۲۰۱۶). پس می‌توان اذعان داشت که مدیران عامل خودشیفته برای شرکت‌های که در آن فعالیت می‌کنند مزایایی را فراهم می‌کنند، زیرا پیگیری موقعیت و دید آن‌ها می‌تواند منجر به گرایش کارآفرینانه یا سود بیشتر برای شرکت شود (اولسن و استکلبرگ،^۲ ۲۰۱۶). با این حال، شخصیت‌های خودشیفته مدیرعامل دارای معایبی نیز هست که منجر به بی‌ثباتی (چاترjee و همبریک،^۳ ۲۰۰۷)، ریسک مالی (بیول و همکاران،^۴ ۲۰۱۷)، آسیب (اوریلی و همکاران،^۵ ۲۰۱۸)، سرمایه‌گذاری بیش از حد و بهره‌وری مالی پایین می‌شود (هام و همکاران،^۶ ۲۰۱۸). از طرفی دیگر مدیران عامل خودشیفته می‌توانند بر حسابداری و ارقام مالی تأثیر بگذارند، زیرا آن‌ها اجزای اختیاری هستند که می‌توان به راحتی آن‌ها را دستکاری کرد (شوارتز،^۷ ۱۹۹۱). پس سطح بالایی از خودشیفتگی با مدیریت سود (هسیه و همکاران،^۸ ۲۰۱۴؛ کاپالو و همکاران،^۹ ۲۰۱۸)، تمایل به ریسک‌پذیری و کلاه‌برداری از شرکت مرتبط است (کمپبل و همکاران، ۲۰۰۴).

اما به نظر می‌رسد، عوامل دیگری همچون اجتناب از مالیات نیز با خودشیفتگی مدیرعامل مرتبط باشد. اجتناب از مالیات را می‌توان به عنوان عملی که باعث کاهش بار مالیاتی و افزایش جریان نقدینگی در کوتاه مدت می‌شود، بیان کرد و به عنوان مجموعه‌ای از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که شامل هر چیزی که مالیات بر درآمد حسابداری قبل از پرداخت مالیات شرکت را کاهش می‌دهد، تعریف شده است. با توجه به دشواری تفکیک و شناسایی استراتژی‌های مختلف، حوزه ادبیات اجتناب از مالیات این فعالیت را به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات قانونی مشروع مالیاتی برای کاهش

¹ Oesterle et al

² Olsen et al

³ Chatterjee & Hambrick

⁴ Buyl et al

⁵ O'Reilly et al

⁶ Ham et al

⁷ Schwartz

⁸ Hsieh et al

⁹ Capalbo et al

بار مالیاتی و سایر استراتژی‌های مربوط به عدم رعایت یا فرار تعریف می‌کند (دیرنگ و همکاران^۱، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، اگرچه معیار اجتناب از مالیات که در ادبیات مورد استفاده قرار می‌گیرد، معیار ریسک وظیفه، سرپناه مالیاتی یا فرار مالیاتی نیست، اما ممکن است شامل استراتژی‌های مختلف مالیاتی قانونی و غیرقانونی باشد که بار مالیاتی را کاهش می‌دهد (گارسیا-مکا و همکاران^۲، ۲۰۲۱)؛ اما می‌توان گفت در تعیین میزان اجتناب از مالیات نقش مدیرعامل از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا این مدیران تأثیر زیادی بر سیاست‌های مالیاتی دارند (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۰). این در حالی است که این استراتژی عواقبی نیز دارد، زیرا مدیران عامل خودشیفته ممکن است سیاست‌های مالیاتی تهاجمی را برای دستیابی به جاه‌طلبی‌های شخصی مانند حسابداری بیشتر در آینده، تحسین خود یا پاداش بیشتر اجرا کنند (واکا و همکاران^۳، ۲۰۲۰). پس به نظر می‌رسد که مدیران عامل خودشیفته ممکن است انگیزه‌هایی برای ارزیابی بیش‌ازحد توانایی خود در ایجاد سود داشته باشند و ممکن است صورت‌های مالی را مطابق انتظارات خودتنظیم کنند؛ بنابراین اجتناب از مالیات به‌عنوان یک ابزار برای دستیابی به سود با کاهش بار مالیاتی استفاده می‌شود؛ بنابراین، مدیران عامل خودشیفته می‌توانند بیشتر از اجتناب از مالیات برای دستیابی به اهداف غیرمالی خود از تحسین، توجه و شهرت استفاده کنند (گارسیا-مکا و همکاران، ۲۰۲۱).

با توجه به مطالب مطرح‌شده، ادبیات موجود را می‌توان به‌واسطه حدسیات ضمنی و ساده از طریق ویژگی کمیته حسابرسی به چالش کشید. به‌ویژه آنکه استدلال اصلی می‌تواند این باشد که کمیته حسابرسی یک مکانیزم اساسی حاکمیت شرکتی است که اساساً بر گزارشات مالی و نقش‌های مرتبط با آن شرکت نظارت می‌کند. برآوردهای منطقی مالیاتی، ماهیت سیاست‌های حسابداری، مفروضات گردآوری داده‌ها و یکپارچگی گزارش‌های مالی تحت کنترل کمیته‌های حسابرسی است (کلاین^۴، ۲۰۰۲). در حقیقت ویژگی‌های کمیته حسابرسی اطلاعات دقیق، شفافیت و پاسخگویی را ارائه می‌دهند که ظرفیت مدیران عامل خودشیفته را برای افزایش ریسک شرکت‌ها محدود می‌کند؛ بنابراین، نقش کمیته‌های حسابرسی می‌تواند به‌ویژه در نظارت بر انتخاب روش‌های حسابداری و کاهش رفتارهای اختیاری مانند مدیریت سود یا تقلب مهم باشد (تیرووادی و هوانگ^۵، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، اگر کمیته حسابرسی ساختار مناسبی همچون تعداد کافی مدیران و ترکیب متنوع داشته باشند، ممکن است بتوانند نگرش‌های مدیران عامل خودشیفته را مهار کنند. به عبارت بهتر، زمانی که کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر باشد، می‌تواند از تعداد بیشتری از مدیران بهره ببرند که مهارت‌ها و تجربیات خود را با یکدیگر ادغام کرده و به اشتراک‌گذارند، در نتیجه نقش نظارت و نظارت خود را به‌طور مؤثرتری انجام می‌دهند (فرانسیس و همکاران^۶، ۲۰۱۴). پس می‌توان ادعان داشت که کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر نظارت بیشتری بر فرایند تصمیم‌گیری مدیران عامل خودشیفته دارند و مشارکت آن‌ها در استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی را محدود می‌کند. علاوه بر این، کمیته‌های حسابرسی با تعداد بیشتری از اعضای هیئت‌مدیره زن منجر به کاهش سطح مالیات می‌شوند (گارسیا-مکا و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به مطالب مطرح‌شده، مقاله حاضر، به‌طور ویژه به دنبال

¹ Dyreng et al

² García-Meca et al

³ Vacca et al

⁴ Klein

⁵ Thiruvadi & Huang

⁶ Francis et al

بررسی چرایی و چگونگی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

از دیدگاه وابستگی عملکرد بنگاه به منابع، مزیت رقابتی بنگاه، به مالکیت آن بر منابع کلیدی که رقبا در به دست آوردن آن با مشکلات زیادی مواجه هستند، بستگی دارد (ففر و سالانسیک، ۲۰۰۳). ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان یک منبع نامشهود با ارزش، برای کسب حمایت‌های دولتی استفاده شود (خان و همکاران^۱، ۲۰۱۶). بانکوانیچا و ویواتاناکانتانگ^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند، ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد برای اعمال نفوذ سیاسی مالکین کسب و کارهای بزرگ که به شدت به قراردادهای دولتی نیاز دارند، تلقی شود؛ بنابراین، سیاسيون بعد از رعایت جوانب احتیاط، می‌توانند از قدرت سیاسی خود در جهت تأثیر بر سیاست‌گذاری‌ها به نفع کسب و کارشان، استفاده نمایند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

به همین منظور شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تمایل دارند تا کارآمدی کمتری داشته باشند. قانون در سطح کشوری و محیط‌های مؤسسه‌ای شرکت‌ها، بر هزینه نمایندگی تأثیر دارند. ارتباطات سیاسی می‌تواند منجر به هزینه بالای نمایندگی در اقتصادهای نوظهور شوند که به طور معمول با محیط قانونی ضعیفی همراه شده‌اند (محمد و همکاران، ۱۳۹۶). به طور کلی می‌توان گفت محیط‌های سازمانی و قوانین کشورها که مؤثر بر عملیات شرکت‌ها است می‌توان بر هزینه‌های نمایندگی تأثیرگذار باشد (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۲)؛ بنابراین می‌توان گفت، ارتباطات سیاسی می‌تواند منجر به هزینه‌های نمایندگی در اقتصادهای نوظهور شود که به طور معمول با محیط قانونی ضعیفی همراه شده‌اند. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد (محمد و همکاران، ۱۳۹۶).

مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های نمایندگی

خودشیفتگی تاریخیچه گسترده‌ای هم در حوزه روان‌شناسی شخصیت و هم در حوزه روان‌شناسی بالینی دارد (کمپیل و فاستر^۳، ۲۰۰۷). خودشیفتگی اولین بار به عنوان یک سازه بالینی، با نام نوعی اختلال از نوشته‌های فروید برخاسته و به اختصار اشاره به حالتی ذهنی و روانی دارد که یک انسان به دلیل توجه و علاقه زیاد به خود از محیط بیرونی و شرایط سایر افراد غافل می‌شود (براون^۴، ۱۹۹۷). واژه خودشیفتگی را در روان‌شناسی فردی، گاه به جای اصطلاحاتی مانند تحقیرکننده، پوچی و خودپسندی استفاده می‌کنند و گاهی نیز در جامعه‌شناسی آن را به جای نخبه‌گرایی و یا بی تفاوتی نسبت به سرنوشت دیگران می‌نامند. خودشیفتگی معمولاً دربرگیرنده باورها و حالاتی مانند کم‌ارزش دیدن سایرین در مقایسه با خود، توقع زیاد از دیگران، توجیه اشتباهات خود و به گردن دیگران انداختن آن‌ها و اغراق و میل به مورد تحسین واقع شدن، حس محق بودن، حسادت ورزیدن به دیگران، تصور دارا بودن قدرت و موفقیت نامحدود، استفاده از

¹ Khan et al

² Bunkanwanicha & Wiwattanakantang

³ Campbell & Foster

⁴ Brown

دیگران در جهت پیشرفت و ارتقای خود از ویژگی‌های چنین افرادی شمرده می‌شود (شفیعی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۰؛ طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۹). خودشیفتگان در مجموعه‌ای از ابعاد همچون هوش، خلاقیت، شایستگی و قدرت رهبری، امتیاز بالایی به خود می‌دهند (چن^۱، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه خودشیفتگی یک متغیر شخصیتی مرتبط با میل به موفقیت نامحدود و قدرت می‌باشد جای تعجب نیست که بسیاری از افراد خودشیفته به دنبال موقعیت‌های مدیریتی برای ارضای نیاز خود به قدرت و شهرت می‌باشند. مدیرانی با خودشیفتگی بالا ممکن است اقداماتی که از دید مردم غیرممکن به نظر رسد یا احتمال موفقیت آن‌ها نرود به صورت خوش‌بینانه در نظر گرفته و به منظور جلب توجه دیگران این اقدامات جسورانه را انجام دهند (چن، ۲۰۱۰). با این حال، ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد مدیران به‌ویژه مدیران عامل خودشیفته بیشتر تمرکز خود را بر انجام فعالیت‌های چالش‌برانگیز (استراتژی‌ها، سیاست‌ها، شیوه‌ها) برای تحسین خود قرار می‌دهند، حتی زمانی که این اقدامات می‌تواند منجر به نتایج مضر برای شرکت‌های آن‌ها شود. یکی از ویژگی‌های اصلی مدیران عامل خودشیفته این است که اغلب به دلیل تحسین اغراق‌آمیز خود هستند تا اهداف غیرواقعی و دست‌نیافتنی را حفظ می‌کنند. تلاش برای دستیابی به این اهداف آن‌ها را مجبور به انجام اقدامات مشکوک می‌کند اگر نتیجه آن تحسین و شهرت بیشتر باشد (دوچون و دریک^۲، ۲۰۰۹). به همین دلیل، مدیران عامل خودشیفته تأثیر زیادی بر نتایج شرکت به عنوان مثال، کلاهبرداری مالی، مدیریت سود، نوآوری، تنوع بخشیدن یا جلوگیری از مالیات و سایر موارد دارند. در این خصوص براون (۱۹۹۷) اظهار داشت که مدیران عامل خودشیفته تصمیم می‌گیرند "احساس مثبت خود را تقویت کنند، رفتارهای دفاعی خود را انجام دهند و عزت نفس خود را حفظ کنند". پس تمرکز بر امور مالی و گزارش‌های مطرح می‌شود، یکی از نکات مهمی که باید به آن توجه داشت این است که مدیران عامل صورت‌های مالی را تهیه و امضا می‌کنند تا به سهامداران فاش شود، پس باید به این نکته توجه داشت که دستمزد آن‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به ارقام گزارش‌شده بستگی دارد. از این رو با استفاده از صورت‌های مالی و اعداد گزارش‌شده، مدیران عامل می‌توانند نیاز مستمر خود را برطرف کنند (چاترجی و همبریک، ۲۰۰۷) و شهرتی برای دستاوردهای خود کسب کنند (مکوبی، ۲۰۰۰). همچنین مدیران عامل خودشیفته از طریق مدیریت سود، کلاهبرداری یا سیاست‌های مالیاتی تهاجمی تلاش می‌کنند تا به اهداف خود برسند و تصاویر شخصیتی و خودخواهی خود را تقویت کنند (فاستر و کمپبل، ۲۰۰۷). از این رو مدیران عامل مسئول شکل‌گیری، تأیید و نظارت بر استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های خود هستند (هیگینز و همکاران^۳، ۲۰۱۵). پس مدیران عامل مسئولیت کلی استراتژی‌های مالیاتی شرکت، از جمله تعیین میزان اجتناب از مالیات را بر عهده دارند (لانیس و ریچارسون^۴، ۲۰۱۵). مدیران عامل خودشیفته از موقعیت اقتدار و نفوذ خود در شرکت‌های خود برای دستیابی به جاه‌طلبی‌های شخصی استفاده می‌کنند که می‌تواند با سیاست‌های مالیاتی تهاجمی، پرداخت مالیات کمتر و نشان دادن سود بیشتر مرتبط با دستمزد مدیرعامل مرتبط باشد. علاوه بر این، مدیران عامل در طراحی و ارزیابی استراتژی‌های مالیات شرکت‌ها نسبت به سایر مدیران فعال‌تر می‌شوند (اولسن و استکلبرگ^۵، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد استدلال فوق توسط لومپکین و دس^۵ (۱۹۹۶) که معتقدند مدیران عامل

¹ Chen

² Duchon & Drake

³ Haynes et al

⁴ Lanis & Richardson

⁵ Lumpkin & Dess

خودشیفته بیشتر مستعد تصمیمات تهاجمی هستند، توجه شود. به همین ترتیب، اولسن و استکلبرگ (۲۰۱۶) با گزارش تأثیر قابل توجه خودشیفتگی مدیرعامل بر احتمال استفاده شرکت‌های خود از پناهگاه‌های مالیاتی شرکت‌ها، تحقیقات ارجاعی در مورد سیاست‌های مالیاتی را توسعه دادند.

بر اساس مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های فردی مدیران ارشد و مدیران عامل دارای تصمیمات نفوذی در سطح سازمان هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به سیاست‌های مالیاتی تهاجمی اشاره کرد. با این حال، اجتناب از مالیات نه تنها توسط مدیران عامل بلکه تحت تأثیر عوامل دیگری در سطح شرکت قرار می‌گیرد (هیس و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، لازم است عوامل دیگری همچون ویژگی‌های کمیته حسابرسی را که می‌توانند بر تصمیمات اجتناب از مالیات تأثیر بگذارند و تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل را در این زمینه تعدیل کند، بررسی گردد. درواقع ارزیابی کمیته حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این کمیته‌ها مسئول تجدیدنظر در صورت‌های مالی هستند. آن‌ها صراحت دارند که به اطلاعات مالی دسترسی داشته باشند و هر جنبه‌ای را که در این صورت‌ها منعکس شده است با حسابرسان مورد بحث قرار دهند (صالح و همکاران، ۲۰۰۷). علاوه بر این، کلین (۲۰۰۲) در این باره بیان می‌کند، کمیته‌های حسابرسی طوری طراحی شده‌اند که به صورت مستقل عمل کرده و اختلافات بین مدیران و مدیران خارجی را در مورد اطلاعات مالی و گزینه‌های حسابداری حل و فصل کنند. آن‌ها به منظور ارائه مدیریت نظارتی برای حفاظت و حفظ ثروت سهامداران طراحی شده‌اند و می‌توانند تصمیمات مدیریتی نامحدود را محدود و از آن‌ها جلوگیری کنند (شی و همکاران، ۲۰۰۳). کارآیی این کمیته کیفیت فرآیند حسابرسی را با نظارت بر گزینه‌های اصلی حسابداری تضمین می‌کند و در نتیجه رفتارهای اختیاری مانند مدیریت سود یا کلاهبرداری را کاهش می‌دهد (یانگ و کریشنان، ۲۰۰۵؛ پیوت و جانین، ۲۰۰۷^۴ و سان و همکاران، ۲۰۱۱^۵). علاوه بر این، تیرووادی و هوانگ (۲۰۱۱) اذعان دارند که کمیته‌های حسابرسی نقش مهمی در اجتناب از مالیات، یا حداقل محدود کردن رسوایی‌های حسابداری و رفتارهای مدیریتی اختیاری ایفا می‌کنند. همچنین اهمیت اثربخشی کمیته حسابرسی در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت به دلیل نقش نظارتی که بر عهده دارند، برجسته شده است (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین از دیدگاه نمایندگی، کمیته‌های حسابرسی می‌توانند هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و نظارت دقیق‌تری (نقش ناظر) را اعمال کنند که این امر آگاهی در مورد رفتار مدیرعامل را افزایش می‌دهد و به ذینفعان اجازه می‌دهد سریع‌تر واکنش نشان دهند. پس می‌توان این استدلال را داشت که کمیته‌های حسابرسی نظارت بیشتری بر مدیران عامل خودشیفته و فرایندهای تصمیم‌گیری آن‌ها داشته باشند و استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی آن‌ها را محدود کند (هسو و همکاران، ۲۰۱۸).

پیشینه تحقیق پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده، پژوهشی که به صورت مستقیم به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده اندازه و جنسیت کمیته حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران به طور همزمان پرداخته باشد، مشاهده نشده است. با این وجود، در ادامه به بیان پاره‌ای از پژوهش‌های تجربی پرداخته می‌شود

¹ Saleh et al

² Xie et al

³ Yang & Krishnan

⁴ Piot & Janin

⁵ Sun et al

که در این زمینه انجام شده و به نحوی با موضوع پژوهش ارتباط پیدا می کنند. افزون بر این، برخی از پژوهش ها به منظور ایجاد پشتوانه برای به کارگیری متغیرهای این پژوهش بیان شده است.

رضایی پسته نوئی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی به عنوان یکی از ساختارهای مالکیت، بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی- عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت ها را تعدیل (تشدید) می کند.

علی خانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ویژگی های کمیته حسابرسی و خوانایی گزارش حسابرسی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اندازه، استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با خوانایی گزارش حسابرسی که با دو شاخص فوگ و طول متن اندازه گیری شد، رابطه معناداری ندارند.

امیری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین سود نقدی و استقلال هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت در چارچوب نظام مالیاتی کشور پرداختند و به این نتیجه رسیدند که پرداخت سود نقدی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معنی داری دارد. همچنین درصد مدیران غیرموظف بر اجتناب مالیاتی تأثیر معنی داری دارد؛ و درصد مدیران غیرموظف بر رابطه بین پرداخت سود نقدی و اجتناب مالیاتی تأثیر معنی داری ندارد.

بزرگ اصل و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل تر حسابرسان و کمیته حسابرسی در رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معنادار بین خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی وجود دارد؛ همچنین یافته ها حاکی از اثر تعدیل کننده تلاش حسابرسان، تخصص حسابرسان و رئیس کمیته حسابرسی در رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی است.

برزگر و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ویژگی های کمیته حسابرسی همچون استقلال، اندازه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی شرکت ها تأثیر معکوس و معناداری دارند.

جمشیدی و شریف زاده (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه بیش اطمینانی مدیران ارشد اجرایی با اجتناب مالیاتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بیش اطمینانی مدیران ارشد اجرایی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی دارد. به عبارت دیگر شرکت هایی که مدیر ارشد اجرایی شان بیش اطمینانی بالاتری دارند، نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بیشتری خواهند داشت.

طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی تأثیر معنادار ندارد؛ اما بین دیگر ویژگی رفتاری مدیران یعنی متغیر اطمینان بیش از حد و شفافیت گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

قائمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی با کنترل های داخلی و مدیریت سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین هر دو ویژگی

کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی) با ضعف در کنترل‌های داخلی و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد اما بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

زلقی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر هزینه بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های منتخب کمیته حسابرسی دو متغیر اندازه و استقلال کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر هزینه بدهی شرکت دارند، ولی تأثیر تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی بر هزینه بدهی معنادار نیست. همچنین متغیرهای اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر کارایی سرمایه‌گذاری دارند.

حاجیها و آزادزاده (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر اندازه موسسه حسابرسی و حاکمیت شرکتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اندازه موسسه حسابرسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثر منفی می‌گذارد. درنهایت، اندازه هیئت‌مدیره بر رابطه بین تخصص کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثر مثبت می‌گذارد و استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثر منفی می‌گذارد.

گارسا-مکا و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر نقش تعدیل‌کننده ویژگی کمیته حسابرسی (اندازه و جنسیت) بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات پرداختند و به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی مدیرعامل با اجتناب از مالیات ارتباط مثبت دارد. همچنین شرکت‌هایی با کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر به کنترل پیامدهای خودشیفتگی مدیرعامل بر اجتناب از مالیات کمک می‌کنند. علاوه بر این، کمیته‌های حسابرسی دارای تنوع جنسیتی نسبت به اجتناب از مالیات شرکت حساس‌تر هستند و شیوه‌های مالیاتی تهاجمی را که توسط مدیران عامل خودشیفته ترویج می‌شود، کاهش می‌دهند؛ بنابراین، اثربخشی کمیته حسابرسی در نظارت بر تصمیمات مدیریتی مربوط به اجتناب از مالیات بسیار مهم است.

صالحی و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران عامل و ضعف کنترل‌های داخلی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معناداری بین خودشیفتگی مدیران عامل و ضعف‌های کنترل داخلی وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیران با ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته موقعیت، علایق و اهداف خود را در اولویت قرار می‌دهند؛ بنابراین، امکان تحریف اطلاعات و انکار کنترل‌های داخلی موجود که منجر به افزایش گزارش نادرست می‌شود، بیشتر است.

مین‌ها و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اجتناب از مالیات تأثیر منفی بر ارزش مشاغل دارد. علاوه بر این سایر متغیرها، مانند مالکیت خارجی، سرمایه‌گذاری، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، نرخ رشد، اندازه شرکت، شاخص فروش و سن شرکت بر ارزش شرکت تأثیر مثبت دارند. علاوه بر این، متغیرهایی مانند مالکیت دولتی و کل اقلام تعهدی بر ارزش شرکت تأثیر منفی می‌گذارند.

واکا و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌کننده تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره شرکت در رابطه بین پرخاشگری مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیمی بین پرخاشگری

¹ Salehi et al

² Minh Ha et al

مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت وجود ندارد. در حالی که تنوع جنسیتی در هیئت مدیره جهت گیری شرکت ها را برای افشای مسئولیت اجتماعی شرکت افزایش می دهد، اما بر رابطه بین پر خاشگری مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر نمی گذارد.

باروس و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات شرکت ها و جلسات هیئت مدیره و میزان حضور افراد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جلسات هیئت مدیره و میزان حضور افراد تأثیرات متضادی را ایجاد می کند، اگرچه فراوانی جلسات با کاهش بدهی مالیاتی همراه است.

عباسی و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه حضور مدیران زن در کمیته های حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که حضور مدیران زن و متخصصان حسابداری زن در کمیته های حسابرسی با کیفیت حسابرسی ارتباط مثبت دارند.

کاپالو و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی با مدیران عامل خودشیفته در مدیریت اقلام تعهدی فعالیت می کنند تا سود را به طور مثبت مدیریت کنند و تأثیر مهم شخصیت مدیرعامل را در انتخاب حسابداری برجسته می کند.

فرضیه های پژوهش

این پژوهش شامل دو فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی به شرح زیر است:

فرضیه اصلی اول: بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری دارد.

فرضیه اصلی دوم: ویژگی کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه های فرعی مرتبط با فرضیه اصلی دوم:

فرضیه فرعی اول: اندازه کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: جنسیت کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل اطلاعات مالی کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ می باشند. براساس شرایط زیر شرکت های عضو نمونه به صورت حذفی از بین شرکت های عضو جامعه آماری مد نظر قرار گرفته شده اند:

۱. شرکت های نمونه جزء بانک ها و مؤسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه-گری مالی، شرکت های هلدینگ و لیزینگ ها) نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آنها متفاوت است.
۲. سال مالی شرکت ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.

¹ Barros et al

² Abbasi et al

³ Capalbo et al

۳. طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ تغییر سال مالی نداشته باشد.
 ۴. تا پایان سال مالی ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند.
 ۵. در دوره زمانی موردنظر از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
 ۶. اطلاعات مالی موردنیاز این پژوهش از جمله ارتباطات سیاسی شرکت‌ها به همراه یادداشت‌های توضیحی به‌منظور استخراج داده‌های موردنیاز در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط فوق تعداد جامعه آماری در دسترس به ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تقلیل یافته و در نهایت به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

ابزارها، روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، اطلاعات موردنیاز در بخش مبانی نظری، پیشینه‌ها و بخش تئوریک پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود. بدین منظور از کتب، مقالات، مجلات و نشریات معتبر داخلی و خارجی استفاده خواهد شد و همچنین، جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز برای انجام این پژوهش نیز، از صورت‌های مالی و گزارش‌های هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، داده‌های موجود در سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین بهره گرفته می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های پس‌رویداری می‌باشد و از نظر هدف کاربردی است. با توجه به این‌که داده‌های پژوهش بدون دخالت محقق گردآوری شده از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی قلمداد می‌شود و به جهت تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها از نوع پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته این پژوهش اجتناب از پرداخت مالیات می‌باشد. طیف گسترده‌ای از نحوه اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی وجود دارد (لین و همکاران، ۲۰۱۴)؛ اما در پژوهش حاضر، مطابق با پژوهش گارسیا-مکا و همکاران (۲۰۲۱) از نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی از تقسیم مالیات نقدی پرداختی (تأدیه شده) شرکت A در سال t به سود قبل از مالیات ابرازی شرکت A در سال t به دست می‌آید. لازم به ذکر است که از این معیار در پژوهش‌های لیانس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳)، چن و همکاران (۲۰۱۰) و خانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز استفاده شده است. از طرفی دیگر متغیر مستقل پژوهش حاضر خودشیفتگی مدیرعامل است. از آنجا که تخمین یا اندازه‌گیری ویژگی شخصیتی مدیران به‌صورت مستقیم بسیار مشکل است، مطالعات تجربی در جستجوی سنجه‌ای معتبر و ساده برای دستیابی به این مهم می‌باشند. ارتباط بین خودشیفتگی و اندازه امضاء تاریخیچه طولانی در روان‌شناسی دارد. متخصصان نشانه‌شناس و گروهی از روان‌شناسان، معتقدند شیوه امضاء کردن افراد می‌تواند برخی از خصوصیاتشان را آشکار کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که امضاءهای بزرگ‌تر با خصوصیت‌های خودشیفتگی شخصیتی مانند چیرگی خواهی بر دیگران، تکبر، خویشتن‌باوری، احساس محق‌بودن، انتظار مورد تحسین واقع شدن و تخیلات مربوط به قدرت زیاد در ارتباط می‌باشد (زوئین گنهاف^۱، ۱۹۷۷)؛ این موضوع نشان می‌دهد که افراد خودشیفته دارای اندازه امضاء بزرگ‌تری هستند. هام و همکاران (۲۰۱۷) در خصوص اندازه‌گیری درجه

¹ Zweigenhaft

خودشیفتگی مدیران، نتایج مشابهی را از طریق روش پرسشنامه شخصیت خودشیفته ۴۰ سوآلی، در مقایسه با روش اندازه گیری اندازه امضاء مدیران مشاهده کردند؛ به این صورت که مدیران دارای امتیاز خودشیفتگی بیشتر با استفاده از پرسشنامه شخصیت خودشیفته، اندازه امضاء بزرگتری داشتند. با توجه به مطالب گفته شده، در این پژوهش همانند هام و همکاران (۲۰۱۸)، اوریلی و همکاران (۲۰۱۷) و هام و همکاران (۲۰۱۷) از اندازه امضاء به عنوان سنجح اندازه گیری خودشیفتگی استفاده گردیده است. برای اندازه گیری خودشیفتگی مطابق با پژوهش های انجام شده (هام و همکاران، ۲۰۱۷؛ طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۹)، مربع یا مستطیلی در اطراف امضاء طراحی کرده که هر طرف به نقطه‌ی پایانی امضاء می‌رسد. بعد از انجام این کار، مساحت ناحیه‌ی مربعی یا مستطیلی اندازه گیری گردیده و در نهایت بر اساس قاعده پاره‌تو، به دو دهک بالای مساحت امضاء مدیران هر صنعت، عدد یک اختصاص داده که بیانگر مدیران خودشیفته و به دهک‌های دیگر عدد صفر اختصاص داده می‌شود. برای کنترل خطای امضاء مدیران عامل از میانگین امضاءهای موجود هر یک از آن‌ها استفاده گردیده است. لازم به ذکر است امضاء مدیران عامل از گزارشات واقع در سایت کدال، یعنی گزارش فعالیت هیئت‌مدیره و همچنین صورت‌های مالی شرکت‌های مورد مطالعه جمع‌آوری شده است.

متغیر تعدیلگر پژوهش حاضر، ویژگی کمیته حسابرسی است. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های فرعی هیئت‌مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثربخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه بااهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی، حسابرسی داخلی و همچنین حسابرس مستقل دارد (باباجانی و خنکا، ۱۳۹۱). برای اندازه گیری ویژگی کمیته حسابرسی با توجه به پژوهش گارسیا-مکا و همکاران (۲۰۲۱)، لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۷) و عبدی و همکاران (۱۳۹۸) از دو شاخص اندازه و جنسیت کمیته حسابرسی به شرح زیر استفاده می‌شود:

اندازه کمیته حسابرسی: برای محاسبه این متغیر از تعداد اعضای کمیته حسابرسی استفاده خواهد شد (واحد انداز هگیری به صورت تعداد- نفر است).

جنسیت کمیته حسابرسی: محاسبه متغیر جنسیت کمیته حسابرسی به صورت متغیر مجازی صفر یا یک به خود خواهد بود. بر این اساس، اگر حداقل یک نماینده زن در کمیته حسابرسی وجود داشته باشد این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به خود خواهد گرفت.

همچنین در پژوهش حاضر با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی (قائمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ زلقی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سانتانا و رزنده^۱، ۲۰۱۶؛ گارسیا-مکا و همکاران، ۲۰۲۱) عوامل زیادی هستند که بر ویژگی کمیته حسابرسی اثر می‌گذارند که به عنوان متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح زیر آورده می‌شوند:

اهرم مالی^۲ (LEV): برای محاسبه اهرم مالی از نسبت ارزش دفتری مجموع بدهی‌ها به ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها شرکت A در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

اندازه شرکت (Size): برای محاسبه متغیر اندازه شرکت از معیارهایی نظیر لگاریتم مجموع دارایی‌ها شرکت A در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

¹ Santana & Rezende

² Leverage

بازده دارایی‌ها^۱ (ROA): برای محاسبه متغیر بازده دارایی‌ها از سود قبل از مالیات و هزینه بهره (سود خالص عملیاتی) به میانگین مجموع دارایی‌ها شرکت A در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

پس از بررسی هریک از متغیرهای پژوهش، جهت سنجش فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های رگرسیون خطی زیر استفاده می‌شود:

مدل فرضیه اصلی اول پژوهش:

$$ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEO_narcissism_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه اصلی دوم پژوهش:

$$ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEO_narcissism_{i,t} + \beta_2 AC_{i,t} + \beta_3 CEO_narcissism_{i,t} \times SH_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل‌های فرضیه فرعی مرتبط با فرضیه اصلی دوم پژوهش:

$$1) ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEO_narcissism_{i,t} + \beta_2 AC\ size_{i,t} + \beta_3 CEO_narcissism_{i,t} \times AC\ size_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 BRDSZ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$2) ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEO_narcissism_{i,t} + \beta_2 AC\ diversity_{i,t} + \beta_3 CEO_narcissism_{i,t} \times AC\ diversity_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 BRDSZ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن متغیرها شامل ETR (اجتناب از مالیات)، CEO_narcissism (خودشیفتگی مدیرعامل)، AC (کمیت حسابرسی)، AC size (اندازه کمیت حسابرسی)، AC diversity (جنسیت کمیت حسابرسی)، LEV (اهرم مالی)، Size (اندازه شرکت) و ROA (بازده دارایی‌ها) است.

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

قبل از این که به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیرها	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
اجتناب از مالیات	ETR	۰/۱۷۷۸	۰/۱۸۰۳	۰/۱۲۷۶	۰	۰/۱۲۷۶
خودشیفتگی مدیرعامل	CEO_na	۰/۵۷۳۲	۱	۰/۴۹۵۰	۰	۱
جنسیت کمیت حسابرسی	AC diversity	۰/۴۲۷۸	۰/۰۰۳۱	۰/۴۹۵۱	۰	۱
اندازه کمیت حسابرسی	AC size	۰/۲۸۰۳	۰	۰/۴۴۹۶	۰	۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۲۸۰۳	۰	۰/۴۴۹۶	۰	۱
اهرم مالی	LEV	۰/۱۷۳۱	۰/۱۱۲۳	۰/۱۶۷۱	-۰/۲۹۶۴	۰/۱۶۷۱
اندازه شرکت	Size	۵/۸۶۴۳	۵/۷۷۹۲	۰/۶۳۲۴	۴/۱۱۷۳	۸/۲۱۳۷

¹ Return on Assets

برآورد مدل و آزمون فرضیه

در پژوهش حاضر، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه مورد نظر از داده‌های ترکیبی استفاده نموده و به دلیل تعیین مدل مناسب از بین مدل ترکیبی و تلفیقی جهت برآورد رگرسیون خطی چند متغیره، از آزمون F لیمر استفاده شد که فرض صفر آن بیانگر مناسب بودن مدل تلفیقی است. اگر احتمال آماره F آزمون فوق بیش از ۰/۰۵ باشد، از مدل تلفیقی استفاده خواهد شد و نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست؛ ولی اگر مدل ترکیبی مناسب باشد، باید مدل اثرات ثابت در برابر مدل اثرات تصادفی آزمون شود تا مدل مناسب‌تری برای برآورد تعیین شود که این کار با آزمون هاسمن صورت می‌گیرد. نتایج آزمون F لیمر در جدول (۲) نشان‌دهنده این است که معنی‌داری آماره F بیشتر از ۰/۰۵ است، پس برای آزمون فرضیه پژوهش، استفاده از مدل تلفیقی مناسب‌تر است.

جدول (۲): نتایج آزمون لیمر

مدل	آماره F	Prob. F	نتیجه آزمون	الگوی انتخابی	نوع برآورد مدل
مدل فرضیه اول	۰/۶۳۳۱	۰/۴۸۹۴	یکسان بودن عرض از مبدأها	تلفیقی	GLS
مدل فرضیه ۱-۲	۰/۶۳۴۳	۰/۴۸۲۷	یکسان بودن عرض از مبدأها	تلفیقی	GLS
مدل فرضیه ۲-۲	۰/۶۲۹۷	۰/۵۰۶۸	یکسان بودن عرض از مبدأها	تلفیقی	GLS

علاوه بر آزمون F لیمر برای تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره نیاز است مفروضاتی نیز اعمال شود که از جمله آن‌ها می‌توان به آزمون هم خطی میان متغیر مستقل و وابسته، آزمون دوربین_واتسون و نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها اشاره کرد. عامل تورم واریانس (VIF) آزمون وجود یا عدم وجود رابطه هم خطی میان متغیر مستقل و وابسته را مشخص می‌نماید، اگر مقدار عامل تورم واریانس کوچکتر از ۵ باشد وجود رابطه هم خطی میان متغیر مستقل و وابسته پژوهش را پشتیبانی می‌کند. آزمون دوربین_واتسون استقلال یا عدم استقلال خطای میان مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده را مشخص می‌کند، اگر آماره محاسبه شده بین ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ قرار گرفته باشد، مدل دارای استقلال بوده و فاقد خودهمبستگی میان مقادیر می‌باشد. همچنین، نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های مدل از مفروضه‌های تحلیل رگرسیون است؛ اما در صورتی که توزیع بدون چولگی شدید و تک نمایی باشد، توزیع نرمال بودن قابل توجیه است. با توجه به این که سطح معنی‌داری محاسبه شده برای توزیع باقی‌مانده مدل‌ها بزرگتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها مدل تأیید شده است. نتایج حاصل از مفروضه‌های رگرسیون در جداول نگاره (۳) نشان داده شده است.

جدول (۳): آزمون هم خطی میان متغیر مستقل و وابسته، آزمون دورین_واتسون و نرمال بودن توزیع باقی مانده‌ها

آزمون رابطه خطی		آزمون دورین_واتسون		آزمون توزیع باقیمانده	
محاسبه شده	دامنه مورد قبول	محاسبه شده	دامنه مورد قبول	اماره J_B	سطح خطا
فرضیه اصلی اول					
۱/۱۱-۱/۰۲	۵	۲/۳۸	۲/۵-۱/۵	۷۸/۷۴	۰/۰۵
فرضیه ۱-۲					
۳/۰۵-۱/۰۶	۵		۲/۵-۱/۵	۷۸/۳۹	۰/۰۵
فرضیه ۲-۲					
۳/۸۹-۱/۰۶			۲/۵-۱/۵	۹۴/۷۸	۰/۰۵

نتایج حاصل از آزمون فرضیه

جهت تصمیم‌گیری در مورد فرضیه اصلی اول رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات در مدل زیر بررسی و مورد آزمون قرار گرفته است. براساس نتایج بدست آمده از برآورد الگوی پژوهش در جدول (۴)، مقدار آماره F برابر با ۴/۳۹ و سطح خطای بدست آمده برای آن برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ در نتیجه می‌توان ادعا کرد که الگوی پژوهش در سطح معنی‌داری ۰/۹۵ به خوبی برازش شده و از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برای الگو که برابر با ۰/۵۱۰۳ است، می‌توان بیان کرد که متغیرهای مستقل بیش از ۵۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

جدول (۴): خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول

نام متغیرها	ضریب	مقدار آماره t	سطح خطا
مقدار ثابت	۰/۱۸۰۷	۴/۶۵۶۶	۰/۰۰۰۰
خودشیفتگی مدیرعامل	-۰/۹۳۶۹	-۱/۹۷۸۴	۰/۰۴۹۳
بازده دارایی	۰/۱۶۹۹	۱/۳۹۲۰	۰/۱۸۳۷
اهرم مالی	۰/۳۹۱۱	۱/۹۸۲۵	۰/۰۴۷۶
اندازه شرکت	۰/۶۴۸۹	۱/۳۶۳۸	۰/۱۷۳۰
آماره F (Prob.)	۴/۳۹ (۰/۰۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۵۱۰۳
آماره دورین واتسون	۲/۳۸	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۸۲۹

همان‌گونه که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر خودشیفتگی مدیرعامل کمتر از ۵ درصد (۰/۰۴۹۳) است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که خودشیفتگی مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی ناشی از اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر خودشیفتگی مدیرعامل در سطح خطای ۰/۰۵ درصد (-۰/۹۳۶۹) است؛ این یافته حاکی از این است که شرکت‌های دارای

خودشیفتگی مدیرعامل با ضریب منفی، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را افزایش می‌دهند؛ بنابراین، فرضیه اصلی اول پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نخواهد شد. افزون بر این، از بین سایر متغیرهای توضیحی نیز تنها متغیر اهرم مالی رابطه معناداری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد.

فرضیه‌ی اصلی دوم پژوهش حاضر حاکی از آن است که ویژگی کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. با توجه به اینکه برای اندازه گیری ویژگی کمیته حسابرسی از دو سنج اندازه و جنسیت کمیته حسابرسی استفاده شده است، فرضیه اصلی دوم به ۲ فرضیه‌ی فرعی تقسیم و آزمون شده است.

فرضیه‌های فرعی اول مشتق از فرضیه‌ی اصلی دوم پژوهش حاضر حاکی از آن است که اندازه کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): خلاصه نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

نام متغیرها	ضریب	مقدار آماره t	سطح خطا
مقدار ثابت	۱/۴۷۷۵	۱۰/۹۲۵۶	۰/۰۰۰۰
خودشیفتگی مدیرعامل	-۰/۸۷۴۶	-۲/۰۲۴۲	۰/۰۳۹۸
اندازه کمیته حسابرسی	۰/۰۳۳۹	۱/۹۸۷۸	۰/۰۴۱۰
اندازه کمیته حسابرسی × خودشیفتگی مدیرعامل	۰/۰۰۹۶	۲/۱۶۶۱	۰/۰۳۰۶
بازده دارایی	۰/۲۵۳۰	۱/۸۷۲۱	۰/۰۶۳۲
اهرم مالی	-۰/۳۷۱۲	-۱/۹۹۰۷	۰/۰۴۰۳
اندازه شرکت	۰/۸۹۰۴	۱/۷۵۴۸	۰/۰۷۱۸
آماره F (Prob.)	۳۶/۸۳ (۰/۰۰۰۰)	ضریب تعیین	۰/۴۲۷۹
آماره دوربین واتسون	۱/۹۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۹۲۰

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر خودشیفتگی مدیرعامل منفی و معنادار می‌باشد؛ ازطرفی، ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر نیز مثبت و معنادار است که نشان‌دهنده‌ی این است، اندازه کمیته حسابرسی موجب تعدیل رابطه‌ی بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات می‌گردد؛ بنابراین، فرضیه فرعی اول مشتق‌شده از فرضیه‌ی اصلی دوم مبنی بر تأثیر اندازه کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی

مدیرعامل و اجتناب از مالیات رد نمی‌شود. همچنین، بین سایر متغیرهای توضیحی نیز تنها متغیر اهرم مالی رابطه منفی و معنادار با اجتناب از مالیات دارد.

مقدار آماره F مدل و احتمال آن ($36/83$ و $0/0000$) حاکی از معناداری کل مدل می‌باشد. هم‌چنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ($0/3920$) نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (اجتناب از مالیات) توسط متغیرهای توضیحی موجود در مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

فرضیه‌های فرعی دوم مشتق از فرضیه‌ی اصلی دوم تحقیق حاضر حاکی از آن است که جنسیت کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶): خلاصه نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

نام متغیرها	ضریب	مقدار آماره t	سطح خطا
مقدار ثابت	$0/1776$	$4/3071$	$0/0000$
خودشیفتگی مدیرعامل	$-0/9333$	$-2/3716$	$0/0215$
جنسیت کمیته حسابرسی	$0/0003$	$0/1221$	$0/9028$
جنسیت کمیته حسابرسی $\times$ خودشیفتگی مدیرعامل	$0/0651$	$1/4147$	$0/1575$
بازده دارایی	$0/2888$	$1/8824$	$0/0601$
اهرم مالی	$-0/1366$	$-0/8410$	$0/4005$
اندازه شرکت	$0/0686$	$0/1420$	$0/8871$
آماره F (Prob.)	$2/24$ ($0/0274$)	ضریب تعیین	$0/1893$
آماره دوربین واتسون	$2/37$	ضریب تعیین تعدیل شده	$0/1518$

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر خودشیفتگی مدیرعامل منفی و معنادار می‌باشد؛ از طرفی، ضریب متغیر جنسیت کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر نیز مثبت و معنادار است که نشان‌دهنده‌ی این است، جنسیت کمیته حسابرسی موجب تعدیل رابطه‌ی بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات می‌گردد؛ بنابراین، فرضیه فرعی دوم مشتق شده از فرضیه‌ی اصلی دوم مبنی بر تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی به عنوان تعدیل گر بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات رد نمی‌شود. همچنین، بین سایر متغیرهای توضیحی نیز هیچکدام از متغیرها تأثیر معناداری بر اجتناب از مالیات ندارند.

مقدار آماره F مدل و احتمال آن ($2/24$ و $0/000$) حاکی از معناداری کل مدل می باشد. هم چنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ($0/1518$) نشان می دهد که ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (اجتناب از مالیات) توسط متغیرهای توضیحی موجود در مدل رگرسیون توضیح داده می شود.

نتیجه گیری تحقیق

پژوهش حاضر درصدد بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اجتناب از مالیات با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده اندازه و جنسیت کمیته حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. همانطور که در بخش مبانی نظری پژوهش بیان شد، افراد خودشیفته تمایل دارند مورد تحسین واقع شده و در مورد خود اغراق و بزرگ نمایی نمایند. همچنین افراد خودشیفته در هر شرایطی به دنبال برآوردن امیال شخصی خود هستند. با توجه به اینکه خودشیفتگی یک متغیر شخصیتی مرتبط با میل به موفقیت نامحدود و قدرت می باشد، جای تعجب نیست که بسیاری از افراد خودشیفته به دنبال موقعیت های مدیریتی برای ارضای نیاز خود به قدرت و شهرت می باشند و به منظور حفظ موقعیت رهبری، مهارت های خود را در فریب و تقلب و تهدید به کار می گیرند. در بیشتر مواقع مدیران خودشیفته در پی دستیابی به دستاوردهای بزرگ در شرکت به انجام کارهای افراطی روی می آورند و اقداماتی که از دید مردم غیرممکن به نظر می رسد یا احتمال موفقیت آن نمی رود را به صورت خوش بینانه در نظر می گیرند. همچنین، مدیران با شخصیت خودشیفته به منظور جلب توجه دیگران و برای اینکه مورد تحسین واقع شده و به رسمیت شناخته شوند و از این طریق عزت و بزرگی را برای خود فراهم کنند، به انجام فعالیت های متقلبانه روی می آورند. مدیرانی که از چنین شخصیت و رفتاری برخوردار هستند، احتمال این که انگیزه هایی برای ارزیابی بیش از حد توانایی خود در ایجاد سود داشته باشند و ممکن است صورت های مالی را مطابق انتظارات خود تنظیم کنند؛ بنابراین اجتناب از مالیات به عنوان یک ابزار برای دستیابی به سود با کاهش بار مالیاتی استفاده می شود؛ بنابراین، مدیران عامل خودشیفته می توانند بیشتر از اجتناب از مالیات برای دستیابی به اهداف غیرمالی خود از تحسین، توجه و شهرت استفاده کنند. در نتیجه بررسی فرضیه اصلی اول پژوهش، همان طور که انتظار می رفت بین خودشیفتگی مدیران عامل و اجتناب از مالیات ارتباط منفی مشاهده شد و این نتیجه بیانگر این است که شرکت هایی که توسط مدیران عامل بسیار خودشیفته رهبری می شوند، سطوح بالاتری از اجتناب مالیاتی را نشان می دهند. نتیجه این فرضیه با پژوهش اولسن و استکلبرگ (2016) و گارسیا-مکا و همکاران (2021) سازگاری داشته است. از سوی دیگر نتایج فرضیه اصلی دوم نشان داد شرکت هایی با کمیته های حسابرسی بزرگ تر و متنوع تر، پیامدهای اجتناب مالیاتی ناشی از خودشیفتگی مدیرعامل را محدود می کنند. اثری که مدیران عامل خودشیفته بر اجتناب از مالیات دارند با وجود کمیته های حسابرسی بزرگتر کاهش می یابد. به گفته باکستر و کوتر (2009)، با توجه به این واقعیت که انتظار می رود کمیته های حسابرسی بزرگتر شامل اعضای با تخصص های متنوع باشند، نظارت شدیدتری بر رویه های مالی انجام می دهند. علاوه بر این، هرچه کمیته های حسابرسی ناهمگون تر باشند، مدیران عامل از نظر مالی کمتر می توانند تهاجمی باشند. علاوه بر این، هر چه حضور زنان در کمیته های حسابرسی بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی کمتری در شرکت ها مشاهده می شود. این تا حدی به دلیل این واقعیت است که زنان ارزش های اخلاقی بالاتری دارند (بتر و همکاران، 1989) و سطوح شفافیت هیئت مدیره را افزایش می دهند (لارکینت آل و همکاران، 2013). مدیران زن ریسک گریزتر هستند که اعتماد هیئت مدیره را افزایش می دهد (مک لئود همینوی، 2007) و می تواند منجر به رفتار مالیاتی کمتر تهاجمی شود (فرانسیس و همکاران، 2014). اگرچه ارتباط بین مدیران زن در کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی اندک

است، نتایج ما مطابق با نتایج ارائه شده در تحقیقات قبلی است. مطالعات قبلی به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی مدیر عامل را می توان با سطوح بیشتری از بررسی محدود کرد (اینگرسول و همکاران، ۲۰۱۹). یافته های ما نقش مرتبط کمیته های حسابرسی را در محدود کردن اجتناب مالیاتی تأیید می کنند و اهمیت اندازه و تنوع جنسیتی کمیته را برجسته می کنند. با توجه به نقش میانجی جنسیت، این مقاله از پیش بینی های انجام شده توسط نظریه نقش اجتماعی پشتیبانی می کند که به تفاوت های جنسیتی در ریسک گریزی و اعتماد بیش از حد اشاره می کند. نتایج قبلی شیوع تفاوت های جنسیتی را در محدود کردن انطباق مالیاتی تأیید می کند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۴) و تأثیر مستقیم مدیران زن بر الگوهای مالیاتی را تحلیل می کند. مقاله کنونی این خط تحقیقات را دنبال می کند و با اثبات اینکه زنان در کمیته های حسابرسی می توانند سیاست های مالیاتی تهاجمی که توسط مدیران عامل خودشیفته ترویج می شوند را محدود کنند، شکاف مهمی را پر می کند. نتایج مطابق با نتایجی است که نشان می دهد تنوع جنسیتی ارتباط بین خودشیفتگی مدیر عامل و رفتار شرکتی پرخطر را کنترل می کند (اینگرسول و همکاران، ۲۰۱۹). نتایج ما در مقایسه با ادبیات قبلی که از مزایای مدیران عامل خودشیفته حمایت می کند (مکوبی، ۲۰۰۴) و تأیید می کند که خودشیفتگی منجر به سیاست های اجتناب از مالیات می شود. سیاستگذاران به دنبال راه هایی برای محدود کردن این تمایل با افزایش نظارت بوده اند و یافته های ما نشان می دهد که کمیته حسابرسی یک مکانیسم داخلی مهم برای مبارزه با سیاست های مالیاتی غیرمسئولانه و ضد اجتماعی است. کمیته های حسابرسی بزرگ با حضور زنان منجر به کاهش اجتناب مالیاتی، تأیید مزایای حضور زنان در هیئت ها و ارائه شواهد بیشتر از مزایای تنوع جنسیتی می شود.

محدودیت ها تحقیق

محدودیتی که در مراحل پژوهش حاضر وجود داشته و باید بدان توجه شود، شامل:

- ۱- محدودیت اصلی این تحقیق عدم توانایی استفاده از معیارهای بلند مدت برای اجتناب مالیاتی است، زیرا این مطالعه بر اساس داده های ترکیبی است و نرخ مؤثر مالیات، اجتناب مالیاتی سالانه را اندازه گیری می کند و قادر به حذف نوسانات سال به سال نیست.
- ۲- بنابر نتایج تحقیق حاضر، سهامداران ممکن است اجتناب مالیاتی را ترجیح دهند، زیرا منجر به افزایش ثروت آنها می گردد، بنابراین بایست احتیاط لازم به عمل آید.

منابع

- امیری، کیومرث؛ انواری رستمی، علی اصغر؛ قنبری، مهرداد و جمشیدی نوید، بابک (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین سود نقدی و استقلال هیات مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت در چارچوب نظام مالیاتی کشور. مدیریت توسعه و تحول، ۴۴، ۱۱-۲۰.
- برزگر، قدرت الله؛ حسن نتاج کردی، محسن و عباسی، علی (۱۴۰۰). تاثیر ویژگی های کمیته ی حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۹ (۳۳)، ۴۲-۲۵.

- رضائی پشته نوئی، یاسر؛ غلامرضا پور، محمد؛ کاظمی، سید پوریا و امیرنیا، نرجس (۱۴۰۰). بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی: آزمون نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی و نمایندگی. *پژوهش های حسابداری مالی*، ۴۷(۱)، ۶۵-۴۵.
- زلّقی، حسن؛ نوروزی، محمد؛ اسدی، غلامحسین و کزازی، محمد (۱۳۹۸). ویژگی های کمیته حسابرسی، هزینه بدهی و کارایی سرمایه گذاری. *پژوهش های حسابداری مالی*، ۱۱(۱)، ۱۱۶-۱۰۱.
- جمشیدی، فریبا و شریف زاده، مصطفی (۱۴۰۰). رابطه بین اطمینانی مدیر ارشد اجرایی و نرخ موثر مالیاتی نقدی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری*، ۷(۱)، ۴۷۵-۴۸۷.
- خواجهی، شکرالله؛ دهقانی، علی اصغر و روستا، سعدی منوچهر (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران در تبیین رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۳۹، ۷۴-۵۷.
- ساعدی، رحمان و رضایان، وحید (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر بازده و ریسک غیرسیستماتیک سهام با توجه به نقش دوگانگی وظیفه مدیر عامل: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات مالی*، ۲۱(۱)، ۷۹-۱۰۰.
- شفیع، حسن و مجید صفاری نیا، (۱۳۹۰). خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۲(۶)، ۱۴۷-۱۲۲.
- طاهری عابد، رضا؛ علی نژاد سارو کلایی، مهدی و فغانی ماکرانی، خسرو (۱۳۹۵). تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۸)، ۹۴-۷۱.
- علی خانی، رضیه؛ مران جوری، مهدی و داوودی، سمانه (۱۴۰۰). ویژگی های کمیته حسابرسی و خوانایی گزارش حسابرسی. *بررسی حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۱)، ۸۰-۱۰۱.
- حاجیها، زهره و آزادزاده، عادل (۱۳۹۸). ویژگی های کمیته حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت های مالی با تاکید بر اندازه موسسه حسابرسی و حاکمیت شرکتی. *دانش حسابداری مالی*، ۶(۳)، ۱۱۷-۹۵.
- عربصالحی، مهدی؛ امیری، هادی و کاظمی نوری، سپیده (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه گذاری - جریان های نقدی. *پژوهش های حسابداری مالی*، ۶(۲)، ۱۱۵-۱۲۸.
- قائمی، فاطمه؛ مرادی، زهرا و علوی، غلامحسین (۱۳۹۹). تأثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر کنترل های داخلی و مدیریت سود. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۶)، ۲۸۰-۱۵۹.

- گیلانی نیا و همکاران (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عدم مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل بر ریسک سقوط قیمت سهام به واسطه نقش تعدیلگر بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۶۶(۵)، ۲۳-۴۷.
- لاری دشت بیاض، محمود و اورادی، جواد (۱۳۹۵). ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۶(۴)، ۶۹-۹۴.
- محمدی، یادگار؛ محمدی، اسفندیار و اسماعیلی کیا، غریبه (۱۳۹۸). اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، سیاست های تامین مالی و کارایی سرمایه گذاری. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۶(۲)، ۱۹۵-۲۳۱.

- Abbasi, Kaleemullah & Alam, Ashraful & Bhuiyan, Md. Borhan Uddin, (2020). Audit committees, female directors and the types of female and male financial experts: Further evidence. *Journal of Business Research, Elsevier*, 114, 186-197
- Al-Absy, Mujeeb Saif Mohsen, Ku Nor Izah Ku Ismail, Sitraselvi Chandren, and Shehabaddin Abdullah A. Al-Dubai. 2020. Involvement of board chairmen in audit committees and earnings management: Evidence from Malaysia. *The Journal of Asian Finance, Economics* 7, 233-46.
- Brown, A. D. (1997). Narcissism, Identity, and Legitimacy, *The Academy of Management Review*, 22 (3). 643-668.
- Baxter, P., & Cotter, J. (2009). Audit committees and earnings quality. *Accounting & Finance*, 49(2), 267-290.
- Bedard, J., Chtourou, S. M., & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(2), 13-35.
- Buyl, T., Boone, C., & Wade, J. B. (2017). CEO narcissism, risk-taking, and resilience: An empirical analysis in US commercial banks. *Journal of Management*, 45(4), 1372-1400.
- Capalbo, F., Frino, A., Lim, M. Y., Mollica, V., & Palumbo, R. (2018). The impact of CEO narcissism on earnings management. *Abacus*, 54(2), 210-226.
- Campbell, W. K., Goodie, A. S., & Foster, J. D. (2004). Narcissism, confidence, and risk attitude. *Journal of Behavioral decision making*, 17(4), 297-311.
- Campbell, W. K., & Foster, J. D. (2007). *The Narcissistic Self: Background, an Extended Agency Model, and Ongoing Controversies*. Frontiers in Social Psychology: The Self (PP. 115-138). New York, NY: Psychology Press.
- Campello, M., Lin, C., Ma, Y., Zou, H., (2011). The real and financial implications of corporate hedging. *The Journal of Finance* 66 (5), 1615-1647.
- Chen, S. (2010). The Role of Ethical Leadership Versus Institutional Constraints: A Simulation Study of Financial Misreporting by CEOs. *Journal of Business Ethics*, 93(1), 33-52.

- Chatterjee, A., & Hambrick, D. C. (2007). It's all about me: Narcissistic chief executive officers and their effects on company strategy and performance. *Administrative Science Quarterly*, 52(3), 351–386.
- Duchon, D., & Drake, B. (2009). Organizational narcissism and virtuous behavior. *Journal of Business Ethics*, 85(3), 301–308.
- Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4), 1163–1189.
- Francis, B. B., Hasan, I., Wu, Q., & Yan, M. (2014). Are female CFOs less tax aggressive? Evidence from tax aggressiveness. *Journal of the American Taxation Association*, 36 (2), 171–202
- García-Meca, E., Ramón-Llorens, M., & Martínez-Ferrero, J. (2021). Are narcissistic CEOs more tax aggressive? The moderating role of internal audit committees, *Journal of Business Research, Elsevier*, 129(C), 223-235.
- Ham, C., Seybert, N., & Wang, S. (2018). Narcissism is a bad sign: CEO signature size, investment, and performance. *Review of Accounting Studies*, 23(1), 234–264.
- Hsieh, T. S., Bedard, J. C., & Johnstone, K. M. (2014). CEO overconfidence and earnings management during shifting regulatory regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9–10), 1243–1268.
- Haynes, K. T., Zattoni, A., Boyd, B. K., & Minichilli, A. (2019). Figureheads or potentates? CEO power and board oversight in the context of Sarbanes Oxley. *Corporate Governance: An international Review*, 27(6), 402–426.
- Ingersoll, A. R., Glass, C., Cook, A., & Olsen, K. J. (2019). Power, status and expectations: How narcissism manifests among women CEOs. *Journal of Business Ethics*, 158, 893–907.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3), 375–400.
- Lanis, R., & Richardson, G. (2015). Is corporate social responsibility performance associated with tax avoidance? *Journal of Business Ethics*, 127(2015), 439–457.
- Lumpkin, G. T., & Dess, G. G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. *Academy of Management Review*, 21(1), 135–172.
- Lanis, R., Richardson, G., Liu, C., & McClure, R. (2019). The impact of corporate tax avoidance on board of directors and CEO reputation. *Journal of Business Ethics*, 160, 463–498.
- Larkin, M. B., Bernardi, R. A., & Bosco, S. M. (2013). Does female representation on boards of directors associate with increased transparency and ethical behavior? *Accounting and the Public Interest*, 13(1), 132–150.
- Malmendier, U., Tate, G., Yan, J.O.N., (2011). Overconfidence and early-life experiences: the effect of managerial traits on corporate financial policies. *The Journal of Finance* 66, 1687–1733.
- Maccoby, M. (2004). *The productive narcissist: The promise and peril of visionary leadership*, Broadway, New York, NY

- Oesterle, M.-J., Elosge, C., & Elosge, L. (2016). Me, myself and I: The role of CEO narcissism in internationalization decision. *International Business Review*, 25(5), 1114–1123.
- Olsen, K. J., & Stekelberg, J. (2016). CEO narcissism and corporate tax sheltering. *The Journal of the American Taxation Association*, 38(1), 1–22.
- O'Reilly, C. A., Doerr, B., & Chatman, J. A. (2018). See You in Court: How CEO narcissism increases firms' vulnerability to lawsuits. *Leadership Quarterly*, 29(3), 365–378.
- Piot, C., & Janin, R. (2007). External auditors, audit committees and earnings management in France. *European Accounting Review*, 16(2), 429–454.
- Salehi, M., Rajaei, R. and Edalati Shakib, S. (2021). *The relationship between CEOs' narcissism and internal controls weaknesses*. Accounting Research Journal, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- Saleh, N. M., Iskandar, T. M., & Rahmat, M. M. (2007). Audit committee characteristics and earnings management: Evidence from Malaysia. *Asian Review of Accounting*, 15 (2), 147–163.
- Schwartz, H. S. (1991). Narcissism project and corporate decay: The case of general motors. *Business Ethics Quarterly*, 1(3), 249–268.
- Sun, J., Liu, G., & Lan, G. (2011). Does female directorship on independent audit committees constrain earnings management? *Journal of Business Ethics*, 99(3), 369–382
- Thiruvadi, S., & Huang, H. W. (2011). Audit committee gender differences and earnings management. *Gender in Management*, 26(7), 483–498.
- Vacca, A., Iazzi, A., Vrontis, D., & Fait, M. (2020). The role of gender diversity on tax aggressiveness and corporate social responsibility. *Evidence from Italian Listed Companies. Sustainability*, 12(5).
- Yang, J. S., & Krishnan, J. (2005). Audit committees and quarterly earnings management. *International Journal of Auditing*, 9(3), 201–219
- Xie, B., Davidson, W. N., III, & DaDalt, P. J. (2003). Earnings management and corporate governance: The role of the board and the audit committee. *Journal of Corporate Finance*, 9(3), 295–316.

Investigating the relationship between CEO narcissism and tax avoidance by considering the moderating role of size and gender of the audit committee in Tehran Stock Exchange

Mehdi Behesht Aein^{*1}

Date of Receipt: 2022/03/12 Date of Issue: 2022/04/13

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between CEO narcissism and tax avoidance by considering the moderating role of size and gender of the audit committee in the Tehran Stock Exchange. The present study is an applied research of quasi-experimental research and its methodology is post-event. In order to achieve the objectives of the research, two main hypotheses and two sub-hypotheses have been developed. To test the research hypotheses, a generalized least squares regression model and combined data were used. The statistical sample of the research includes 120 companies listed on the Tehran Stock Exchange, which has been studied during the years 1392 to 1399. According to the research, companies with higher political affiliations have a higher intensity of social responsibility disclosure than companies with lower political affiliations. Therefore, there is a significant relationship between political communication and disclosure of social responsibility in stakeholders such as companies. Also, the cost of representation as a moderator affects the intensity of the relationship between political communication and corporate social responsibility.

Keywords

CEO narcissism, tax avoidance, size, gender, audit committee

1. Master of Auditing, Program and Budget Expert of Darab Municipality (Fars Province).